

## بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

حسن خیری<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۰۴

### چکیده

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر اخیراً از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و در روزنامه رسمی ابلاغ شده است. با وجود این، رئیس جمهور به دلیل وجود پاره‌ای اشکالات، از رهبری درخواست کرده است اجرای آن را متوقف کنند، ولی در نهایت شورای حل اختلاف، صلاح را در اجرا و رفع نواقص آن دیده‌اند. از آنجا که این طرح هم اکنون در دست بررسی است، در این مقاله تلاش شده با رویکرد جامعه‌شناختی موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به طور کلی و این قانون را به طور خاص بررسی کند. با توجه به ضرورت توجه به عناصر کنش‌گرایانه و ساختارگرایانه و اقتضائات اخلاقی و قانونی در روابط و مناسبات بین فردی و نظارت عمومی و غلبه فقه فردگرایانه، قانون مزبور بررسی می‌شود. در عین تأکید بر تمایز نظام ارزش‌مدار اسلامی که لازمه آن این است که نمی‌توان از احساس مسئولیت‌های فردی صرف نظر کرد، بر قانونی که به زیرساخت‌ها و ساخت‌های اجتماعی همزمان با اقدامات کنشی توجه کند، تأکید شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر، حسب، حقوق، ساختارگرایی، فردگرایی، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، کنشگرایی، نظارت عمومی.

بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۲۶۲-۲۳۷

۱. نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق. hassan.khairi@gmail.com

## مقدمه و بیان مسئله

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه الهی است که ملاک و شاخص جامعه اسلامی شمرده شده است (آل عمران/۱۰۱۰). امر به معروف و نهی از منکر یکی از صفات و ویژگی‌های انسان‌های مؤمن؛ (حج/ ۴۱-۳۸) ملاک برتری امت اسلامی (آل عمران/۱۱۰) و راه انبیاء و صالحان است (الحر العاملی، ج ۱۶: ۱۱۹)؛ قوام و پایداری دین به امر به معروف و نهی از منکر است (میزان الحکمه، ح ۱۲۶۸۸)؛ بقیه اعمال نسبت به این فریضه چون آب دهان نسبت به دریاست (نهج البلاغه حکمت، ۳۷۴)؛ جامعه‌ای که این فریضه را عیب بدانند، جامعه بدی هستند (الحر العاملی، ج ۱۶: ۱۱۸)؛ امر به معروف و نهی از منکر مسئولیتی همگانی است (فاضل مقداد، ج ۳: ۱۷۰).

روح امر به معروف و نهی از منکر به همدردی، همبستگی، تعارف و تعاون و احساس مسئولیت و امانت‌داری باز می‌گردد. "مهمترین تضمین برای تحقق عملی حقوق بشر وظیفه نهی از منکر است" (کوک، ج ۲: ۸۱۰).

همه جوامع برای حفاظت و پاسداری از ارزش‌های مورد قبول خود، سیستم‌هایی دارند و از چیزهایی که نمی‌پسندند، جلوگیری می‌کنند. پس امر به معروف و نهی از منکر خاص جامعه مؤمنان نیست، منتها نگرش، دایره و گستره اهتمام به این موضوع اجتماعی و عقلانی متفاوت است. به عنوان مثال، در کشور فرانسه، ورود فیلم‌های هالیوود را محدود کرده‌اند و توجیه آنها این است که این نوع فیلم‌ها، موجب تخریب فرهنگی است. زنان در پارلمان هند به سینمای هالیوود اعتراض کردند که چرا اینقدر در معرفی زنان، لجام‌گسیخته است و زنان به صورت عروسک‌هایی معرفی می‌شوند؛ که این توهین به آنهاست. لذا از دولت هند خواسته‌اند که در چرخه فیلم‌سازی دخالت کند و اجازه ندهد با شخصیت زن، بازی شود. در ژاپن اعتراض شده است که به دلیل تعرضاتی که در مترو به حیثیت زن‌ها می‌شود، باید بخش زنان و مردان از هم تفکیک شود. "سندی قانونی مربوط به سال ۱۰۲۵/۱۶۱۶ در آلمان وظیفه قاضی محکمه‌ای را امر به حق و نهی از ناحق تعیین می‌کند" (کوک، ج ۲: ۸۸۷-۸۸۹). گلدتسهر در بحثی گسترده در مورد این وظیفه، دو همتای خارج از جهان اسلام را به عنوان شاهد ذکر می‌کند: یکی سازمان نظام ممیزی در آیین کنفوسیوس در چین و دوم نظام آشنا تر ممیزی در دوران جمهوری روم. هر دو سازمان‌هایی بودند مورد حمایت دولت و به معنای دقیق کلمه می‌توان آنها را در ردیف سازمان حسبه اسلامی دانست که خود موردی خاص از نهی از منکر

است. اما با مفهوم کلی اسلامی در مورد قدرت اجرایی مؤمنانی که در خارج از هرگونه چارچوب سازمانی قرار دارند، متفاوت است (کوک، ج ۲: ۹۰۰). در بحث‌های آکویناس دو نوع نکوهش از هم تفکیک شده است: نکوهش به خاطر گناهکار و دیگری نکوهش به خاطر مصلحت عمومی؛ آکویناس دومی را نکوهش قضایی می‌خواند (همان: ۹۱۲). "کنفوسیوس گفتاری دارد به این مضمون که آدمی باید دوستان را پند دهد، اما اگر پاسخ ندادند دست بردارد" (همان: ۹۱۶). بیشتر بحث‌هایی که به طور مشروح در روایت آکویناس آمده طبیعتاً به سنت مسیحی و مخصوصاً به شکل لاتینی آن اختصاص دارد. اما وجود این شباهت‌های کلی موجب تعجب خواننده‌ای است که با آموزه‌های اسلامی نهی از منکر آشنایی دارد. نکوهش برادرانه یک وظیفه است. اما نه وظیفه‌ای مطلق؛ نمی‌توان آن را بدون توجه به مکان و زمان انجام داد و نباید ما خود را مأمور بازرسی زندگی دیگران قرار دهیم. نکوهش یک گناهکار به خاطر خود آن شخص با هشدارهای ملایم وظیفه هر شخص نیکوکاری است. خواه فرومایه باشد خواه بلندپایه، هر چند این وظیفه بیشتر بر دوش بلندپایگان است. از این رو فرپایه‌ای می‌تواند بلندپایه‌ای را نکوهش کند به شرط آن که این کار در خلوت به نرمی و به شکلی مؤدبانه باشد و بدون گستاخی و خشونت؛ اما اگر دین در خطر است باید آشکار بیان شود (همان: ۹۰۸-۹۰۷). ابن ابی‌الحدید اشاره می‌کند که اعراب جاهلی نهی از منکر را می‌شناختند و با استناد به این پیمان [حلف الفضول] این موضوع را ثابت می‌کند (کوک، ج ۲: ۸۹۴؛ ابن ابی‌الحدید ج ۱۹: ۳۰۵).

پس امر به معروف و نهی از منکر، به معنای داشتن حساسیت قوی نسبت به وجود منکرات و عدم وجود معروف‌هاست. مسلمان متعهد یا آن کس که زندگی اجتماعی فعالی دارد، کسی است که همواره در پی تحقق هنجارهای دینی و آرمان‌های آن در جامعه است و تلاش می‌کند آنچه مایه تضعیف آنها می‌شود را از میان برود. از این رو خود را موظف می‌داند تا به هوش باشد و برای تحقق معروف‌ها بکوشد و برای نابودی منکرات عمل کند. این حساسیت گسترده و عمیق - بر حسب لزوم - گاه به صورت پند و اندرز است و گاه در قالب اقدام عملی و بیان جلوه‌ی درستی از معروف. گاه نیز ضرورت اقتضا می‌کند که برای حفظ جامعه اسلامی و یا نشر آرمان‌های دینی که خود از برترین معروف‌هاست - سلاح بگیرد و به دفاع از آرمان خود برخیزد. پس جهاد نیز یکی از نمونه‌های امر به معروف و نهی از منکر است. به علاوه سرنوشت مشترک آدمیان آنان را به تکاپوی رفع موانع و ایجاد زندگی جمعی

سالم‌تر سوق می‌دهد (محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ۳: ۳۲۷). ضرورت حساسیت جمعی نسبت به پاره‌ای از امور، اندیشمندی چون کوکب غیر مسلمان را بر آن داشت تا با مشاهده بی‌تفاوتی جمعی نسبت به خانمی که در مترو نیویورک مورد تعرض قرار گرفت، موضوع را پیگیری کرده، آن را در فریضه امر به معروف و نهی از منکر اسلامی یافته و یکی از کتب مرجع و نسبتاً جامع از منظر مذاهب اسلامی را عرضه کند.

بر این مبنا، روح این فریضه نه به دخالت در امور دیگران بلکه به دخالت در اموری باز می‌گردد که به سرنوشت مشترک آنان مربوط است؛ یا هشدار به دیگران است در انجام یا ترک اموری که مصلحت آنان را به دنبال دارد.

بحث امر به معروف و نهی از منکر به عنوان زیربنایی‌ترین عنصر شکل‌گیری جامعه دینی سالهاست که به بحث جدی در ادبیات سیاسی و دینی - اجتماعی تبدیل شده است. گاهی مشاهده می‌شود که آمرین و ناهین از سوی مخاطبان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و وضع قوانین در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و نیروهای انتظامی در چندین نوبت عزم خویش را برای مبارزه با مظاهر فساد جزم کرده‌اند و موعظه و نصیحت نیز مکرر توسط متولیان دینی و سیاسی و علمای اخلاقی و تربیتی صورت می‌پذیرد؛ مع‌الوصف کمتر شاهد اثر بخشی این اقدامات هستیم. تاکنون شاهد تأسیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر و تدوین قوانین مختلف مرتبط با این موضوع بوده‌ایم و در آخرین اقدام قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب، ابلاغ و مقرر شد در حین اجرا نگرانی‌های ناشی از اجرای این قانون مرتفع شود. اینک این قانون مجدد در دست بررسی است و نویسندگان درصدد است برای کمک به این فرایند از دریچه جامعه‌شناختی تاریخی و سازمانی و با رویکرد آسیب‌شناسانه به واکاوی موضوع مبادرت ورزد و بر این باور است که غلبه فردانگاری تکلیف در فقه، خود را به قانون تسری داده و کم‌توجهی به رویکرد جامعه‌شناختی و مخاطب‌شناختی موجب کمی کارآمدی قوانین از این دست شده است. در این مقاله تلاش می‌شود تا با ارائه مدلی ترسیم‌کننده، جایگاه نظارت‌های عمومی و قلمرو و محدودیت‌های آن به نقد قانون مزبور مبادرت شود و این پرسش مطرح است که با رویکرد جامعه‌شناختی قانون "حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر" چگونه ارزیابی می‌شود؟ برای پاسخ به پرسش، به بررسی و تحلیل امر به معروف و نهی از منکر در فقه و آموزه‌های اسلام پرداخته و مواجهه تاریخی با این فریضه در حکومت‌های اسلامی به اختصار

تشریح می‌شود؛ همچنین مسئله‌شناسی با رویکرد جامعه‌شناختی صورت پذیرفته و راهکارهایی نیز برای برون‌رفت بیان می‌شود.

### مسئله تحقیق

طی چندسال اخیر، شاهد باز شدن پرونده‌های بسیاری از ضرب و جرح آمران به معروف و ناهیان از منکر بوده‌ایم. "از ابتدای انقلاب تا اواسط سال ۱۳۹۲، هشتاد و پنج جانباز آمر به معروف و ناهی از منکر گزارش شده است" ( خیرگزاری ایسنا). در بهار سال ۹۰ بود که اخباری مبنی بر مضروب شدن روحانی آمر به معروف مخابره شد. روز دهم اردیبهشت‌ماه آن سال، این روحانی در محدوده خیابان ۳۰ متری نیروی هوایی دختری و پسری را دید که پس از نهدی از منکر به آنها، پسر جوان به سمتش حمله‌ور شد و با مشت به صورتش کوبید. شدت جراحات وارده و ضربه آن قدر شدید بود که چشم چپ این روحانی را تخلیه کردند و در حال حاضر از چشم مصنوعی استفاده می‌کند. چند روز بعد هم امام جماعت دانشگاه علوم پزشکی تهران در آستانه نایب‌نایی چشم راست خود قرار گرفت.

۲۵ تیرماه سال ۹۰ در یکی از محلات شرق تهران، جوان ۱۹ ساله‌ای در حین بازگشت از هیئت، در حالی که همراه چند نفر از شاگردان یک مدرسه بود به واسطه امر به معروف و نهی از منکر مورد ضرب و شتم قرار گرفت. علی خلیلی پس از سه سال تحمل درد و رنج، در نوزده سال جاری جان خود را به دلیل جراحات وارده از دست داد.

۲۳ تیرماه ۹۲ نیز بانوی محجبه‌ای پس از امر به معروف به زن بی‌حجاب، در ماه رمضان مورد ضرب و شتم قرار گرفت. این موارد، تنها مواردی‌اند که در رسانه‌ها منتشر شده‌اند و موارد بسیاری در دانشگاه‌ها و اماکن فرهنگی و عمومی و غیره وجود دارند که به گوش هیچ کس نمی‌رسند اما وجود دارند و نمی‌توان آنها را انکار کرد.

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: "در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند". امام خمینی در سال ۱۳۵۸ به شورای انقلاب ضمن پیامی، تشکیل اداره‌ای مستقل از دولت که دارای شعبی در کل کشور بوده و ناظر بر تمامی اعمال دولت اسلامی و تمام اقشار مردم است را خواستار می‌شود (امام خمینی، صحیفه نور، ج

۹: ۲۱۳) در سال ۱۳۷۲ مقام معظم رهبری در راستای اجرایی کردن اصل هشتم قانون اساسی فرمان تأسیس ستادی تحت عنوان "ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر" را صادر می‌کنند و در سال ۱۳۸۳ در قوه قضاییه آیین‌نامه‌ای تحت عنوان "آیین‌نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی" به تصویب رسید. عمده وظیفه این ستاد در حوزه امر به معروف و پیشگیری از جرم بیان شده است. در سال ۱۳۸۴ مصوبه‌ای تحت عنوان "راهکارهای اجرای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب" توسط شورای فرهنگ عمومی تهیه شد و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. در سال ۱۳۸۹ برای بررسی تخصصی امر به معروف و نهی از منکر پژوهشکده‌ای زیر نظر ستاد احیاء در قم تأسیس شد.

با بروز حوادث ناگوار در اجرای امر به معروف و نهی از منکر و ناکافی دانستن ضوابط موجود، مجلس شورای اسلامی چندین نوبت به ارائه طرح اقدام کرده است. در تاریخ‌های ۸۹/۳/۲ و ۹۱/۴/۲۰ طرح یک فوریتی حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر دو مرتبه با عنوان "طرح امر به معروف و نهی از منکر" در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد، ولی به نتیجه نرسید. در تاریخ ۹۳/۴/۱ بار دیگر نمایندگان مجلس طرحی را با عنوان "حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر" با قید دو فوریت مطرح کردند که با یک فوریت آن موافقت شد و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در جلسه علنی مورخ ۹۴/۱/۲۳ به تصویب نهایی رسید و در تاریخ ۹۴/۲/۲ شورای نگهبان آن را تأیید کرد و در تاریخ ۹۴/۲/۹ از سوی رئیس مجلس به رئیس جمهور ابلاغ شد.

### مفهوم‌شناسی

واژه «امر» به معنای فرمان دادن و درخواست ایجاد چیزی؛ شأن، شی، کار و حادثه به کار رفته است. واژه «نهی» به معنای بازداشتن، منع کردن و نهایت رسیدن است زیرا نهی، بر غایت و بلوغ دلالت دارد و نهایت هر چیزی، غایت آن است. صاحب جواهر معتقد است که معروف در اصطلاح، هر کار نیکی است که دارای صفتی زائد برحُسن باشد؛ در صورتی که انجام دهنده، حُسن آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود و در اصطلاح منکر هر کار قبیحی است که انجام دهنده، قبح آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود (نجفی، جواهر الکلام، ۲۱: ۳۵۶).

نظارت (مصدرعربی) در لغت به معنی نگاه، بررسی و حفاظت دقیق است (لغت‌نامه دهخدا)؛ ناظر در اصطلاح به شخصی گویند که عمل یا اعمال نماینده شخص یا اشخاصی را

مورد توجه قرار می دهد و صحت و سقم آن عمل یا اعمال را به مقیاس معینی که معهود است، می سنجد" (لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۰۶).

امر به معروف و دعوت به خیر: دعوت به خیر زبانی و توأم با نرمی و آرامش و فاقد هرگونه امر و نهی است در حالی که در امر به معروف و نهی از منکر امر و نهی مطرح است هر چند این دو نیز همراه با آرامش و قول لین باشد. به عبارت دیگر دعوت به خیر ماهیت تعلیمی دارد ولی امر به معروف دارای ماهیتی امری و الزامی است که پس از مرحله دعوت به خیر است (صادقی، ج ۵: ۳۱۹). امر به معروف و نظارت عمومی: نظارت عمومی مشتمل بر چهار مرحله است: ۱. تعلیم و تعلم؛ ۲. دعوت به حق و خیر؛ ۳. خیرخواهی و دلسوزی که آن را نصیح گویند و ۴. امر به معروف و نهی از منکر (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۲۳۸-۲۳۷).

امر به معروف و نصیحت ائمه المسلمین: نصیحت ائمه المسلمین از ابعاد مختلفی با امر به معروف و نهی از منکر متفاوت است؛ در ماهیت متفاوتند، امر همراه با لزوم و الزام است. در حالی که نصیحت تنها خیرخواهی است. قوام نصیحت به انگیزه‌های خیرخواهانه آن است و در امر به معروف و نهی از منکر این مهم چندان دخالتی ندارد (امام خمینی، بی تا، ۴۷۱).

### مبانی نظری

فردیناند تونیس، جوامع را به لحاظ شاکله جوامع از نظر پایه‌های روابط و مناسبات بین افراد و ساختارهای جامعه دو گونه دانسته‌اند: جوامع سنتی و تشکیل یافته در محیط‌های کوچک در قالب دهکده و روستا که در این جوامع افراد یکدیگر را می‌شناسند و رابطه صمیمی و عاطفی بین آنها رواج دارد و در چنین جوامعی کنترل‌های اجتماعی در بیشتر موارد غیر رسمی و مبتنی بر شرم و حیاست. افراد پشتوانه عاطفی و مالی و جانی هم بوده و در سلسله مراتب سنتی، حریم افراد پاس داشته می‌شود. در مقابل جوامعی وجود دارند که در گستره وسیع‌تر، در قالب شهر و بزرگ‌تر از آن شکل می‌یابند؛ در این جوامع روابط مبتنی بر عقلانیت و حسابگری و غیر عاطفی است و ضوابط و قوانین رسمی کنترل‌کننده است.

اتزیونی شاکله جوامع و سازمان‌ها را در ماتریسی ترسیم کرده که بر اساس آن سه نوع قدرت را در سازمان‌ها و جوامع متمایز می‌کند: قدرت اجباری، قدرت مادی و قدرت هنجاری. او سه نوع رابطه بیگانگی، حسابگری و اخلاقی را به ترتیب برای آن سه قدرت بیان می‌کند. زندان نمونه‌ای از وضعیتی است که قدرت در آن اجباری و رابطه متناسب با آن بیگانگی است.

بازار نمونه قدرت مادی و رابطه حسابگرانه و مراکز مذهبی و عضویت در احزاب نمونه مراکز با قدرت هنجاری و رابطه اخلاقی است (صبوری، ۱۳۷۴: ۱۹۱). چالمرز جانسون به نظم اجتماعی با توجه به عنصر ساخت توجه می‌کند. به اعتقاد او اجزای متشکله یک نظام اجتماعی نمونه‌های رفتاری است که بر مبنای توقع و انتظار رفتار مشابه سایرین بروز می‌کنند. این اجزا شامل تکالیفی است که بین اعضای جامعه توزیع شده و از آنها به عنوان "نقش‌های اجتماعی نام برده می‌شود. نقش‌ها را هنجارهای اجتماعی مشخص می‌سازند. هنجارها قواعد مثبت حاکم بر رفتارها هستند و خصوصیت نقش‌های مختلف را تعیین می‌کنند؛ و خود یا توسط روند قانون‌گذاری ایجاد می‌شوند یا ناشی از آداب و رسوم‌اند؛ یا در هر دو ریشه دارند. هنجارها، مشتق از ساخت ارزشی یک نظام اجتماعی و جزیی از آن به شمار می‌روند. از این رو، ارزش‌ها را ثبات و استحکام می‌بخشند. کارایی هنجارها در تنظیم رفتارهای مربوط به نقش‌ها از درجه همسازی بین ساخت ارزشی یک جامعه و محیط حاکم بر آن متأثر است. تعادل یک نظام اجتماعی وابسته به درجه سازگاری بین ارزش‌ها و تقسیم کار در آن است. و از آنجا که این دو عامل تعیین‌کننده ساخت نظام جامعه نیز هستند، تغییر در آنها به تحول در ساخت اجتماعی منجر می‌شود، یک نظام اجتماعی سالم می‌تواند ساخت خود را بدون بر هم خوردن حالت تعالی خود تغییر دهد (خیری: ۳۹-۳۷).

دورکیم وجدان جمعی را موجب انسجام اجتماعی می‌داند. این ادراک و احساسات و هنجارهای مشترک در جوامع ابتدایی با کمی جمعیت و تقسیم کار ساده و با بساطت اخلاقی تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر فرهنگ عمومی این جوامع بر خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های تخصصی شکل گرفته، در متن جامعه غلبه دارد و حقوق کیفری و بازدارنده، نماد این همبستگی و انسجام و ضامن نظم اجتماعی به شمار می‌رود. در جوامع شهری دارای انبوه جمعیت نیز، تقسیم کار گسترده اجتناب‌ناپذیر بوده که تراکم اخلاقی و کاهش فراوانی احساسات و ادراکات هنجارهای مشترک را به دنبال دارد. به عبارت دیگر فرهنگ‌های تخصصی و غیر مشترک غلبه می‌یابد و تفاوت‌ها برجسته‌تر می‌شود. در این جوامع حداقل ادراک و احساسات مشترک و درک نیاز به پیوند اجتماعی-فرهنگ عمومی مشترک-انسجام اجتماعی را ضمانت می‌کند و همبستگی در قالب حقوق ترمیمی و متولی جامعه‌پذیری افراد تجلی می‌یابد.



زتومکا، منشأ وحدت فردی و اجتماعی را عمدتاً آرمانی و هنجاری ساخت اجتماعی می‌داند. ایشان همچنین محرک اولیه تغییر در تحلیل نهایی را خلاقیت انسانی می‌داند. از این منظر، نظم اجتماعی محصول آرمان‌های مشترک (ارزش‌شناسی، وجود‌شناسی، تکلیف‌شناسی و زیبایی‌شناسی)، هنجارهای مشترک (هنجارهای اخلاقی، اجتماعی، رؤیه‌ای)، تعامل مشبک (روابط گفتاری، اجتماعی، سیاسی، مبادله) و مواضع اجتماعی مشبک (ذهنیت، نقش اجتماعی، رتبه و سرمایه اجتماعی) است. پس نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنشگران فردی و جمعی است (چلبی، ۱۳۷۶: ۳۶-۳۵). اندیشمندان مسلمان نظیر فارابی نیز مدینه فاضله ترسیمی خود را بر چند رکن بنا کرده‌اند که عبارتند از: آگاهی و معرفت آحاد جامعه، تعاون، سعادت، عدالت، محبت و رهبری. بر این اساس آمیختگی و هماهنگی حکمت نظری و حکمت عملی تمایز این جامعه از جوامع غیر فاضله است. به عبارت دیگر در این جوامع شناخت به مصالح و مفاسد برای احاد افراد جامعه وجود دارد و آحاد جامعه بدان پای‌بنداند. فارابی به ارزش‌های مشترک در چارچوب محبت و عدالت توجه می‌کند و بر این باور است که عامل اصلی همبستگی، محبت و استقرار و استمرار آن در گرو عدالت است. محبت و دوستی موجب پیوند آحاد جامعه شده و عدالت موجب پویایی و استمرار آن می‌شود. فارابی بر همین مبنا در سطوح ارتباطات خرد بر همبستگی بر اساس محبت تأکید می‌کند ولی استمرار همبستگی را با ابتناء بر عدالت میسر می‌داند. البته همه اینها در حداقل ظرف اجتماعی به نام شهر قابل تحقق است. پس شهر او شهری نظیر شهرهای امروز جوامع مبتنی بر عقلانیت و حسابگری و روحیه فردگرایی نیست ("بحث اندیشه فارابی" در رجبی، ۱۳۷۸) خواجه نصیرالدین طوسی تعاون همکاری مبتنی بر مساوات و اعتدال را تنها ضامن نظم و اعتدال در جامعه و تأمین نیازهای طبیعی انسان می‌داند، به نحوی که عدم تحقق آن به بی‌نظمی و اختلال در جامعه و حتی نابودی نوع انسان منجر می‌شود (همان: ۱۵۵). شهید صدر نیز با بیان نظریه استخلاف بر آن است که لازمه خلیفه الهی بودن آدمی آن است که اولاً مسئولیت‌پذیر باشد و ثانیاً خود را امانت‌دار بداند و این دو عنصر او را به سوی آزادگی در رفتار و حریت هدایت می‌کند (حکیم، مجتمن، ۱۸۹-۱۸۶).

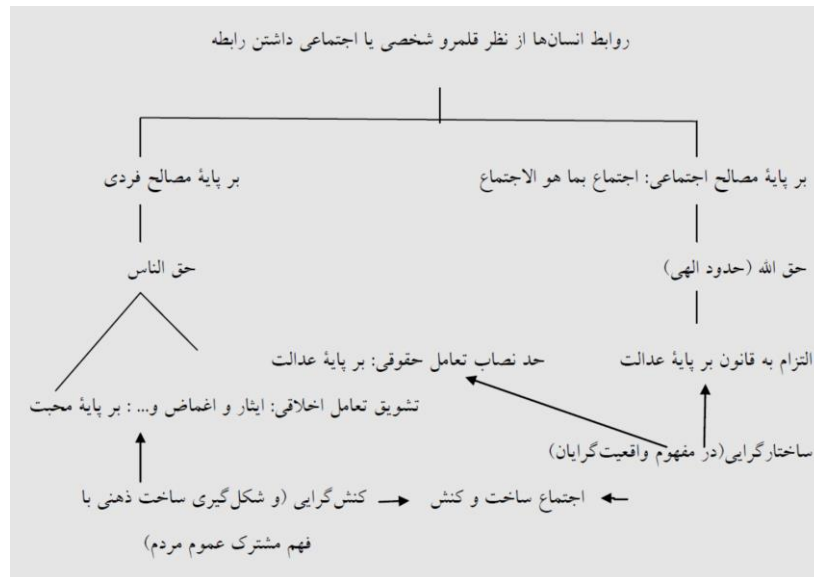
آنچه از این رویکردهای نظری و آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود این است که:

اول: در جامعه اسلام کنشگر قوام جامعه است. اسلام جامعه توده‌شده و بی‌تفاوت را بر نمی‌تابد. پس فرهنگ‌سازی باید بر مبنای معرفت‌افزایی و آمادگی حضور فعالانه و مسئولانه

افراد صورت پذیرد. دوم: جامعه اسلامی جامعه‌ای پویا است و تخصص‌گرایی و قانون‌گرایی را با ترسیم حقایق<sup>۱</sup> به عنوان حق الاجتماع و تضمین‌کننده حداقل وجدان جمعی که تولید نظم اجتماعی می‌کند، به رسمیت شناخته است. به رسمیت شناسایی بنای عقلاء و سیره متشرعه در این زمینه قابل بیان است. انعطاف‌پذیری قانون‌گذاری متناسب با شرایط و البته مبتنی بر اصول نیز بر به کارگیری الگوی کارآمد و منعطف را تأیید می‌کند. بر این مبنای آنچه را موجب اختلال در نظم عمومی و تضییع حقوق آحاد جامعه شود، بر نمی‌تابد. از این نظر اقدامات فردی جای خود را به قانون‌گرایی و التزام بدان می‌دهد. کیفر مبتنی بر قانون و شرع و نه تشخیص فردی، اصلاح‌گری فردی و اجتماعی به عنوان هدف قانون‌گذاری، بازدارندگی مجازات، کیفر به فراخور شخصیت مجرم و شرایط شخصی و خانوادگی و تعادل میان جرم و کیفر نیز بر این خصلت می‌افزاید؛ و این نظام با شریعت سهله و سمحه به معنی آسان و سهل و با قواعدی چون قاعده لاجرح، لاضرر، ید، سوق مسلمین، اصالة البرائة، حمل فعل مؤمن بر صحت زمینه تحقق عقلانی می‌یابد. سوم: جامعه از نهادها و سازمان‌های مختلفی شکل یافته که برخی چون نهادهای مذهبی نظیر مسجد قاعده رفتار اخلاقی بر آن حاکم است و برخی چون بازار، حساب و کتاب و قانون ضامن بقای آن است و برخی نیز چون سازمان‌های انتظامی و نظامی قاعده الزام و اجبار بر آن حاکم است. پس امر به معروف به عنوان تکلیفی شرعی و فردی مبتنی بر حساسیت نسبت به معروف‌ها و منکرات در شاکله نمونه سازمانی اول حضور دارد؛ ولی در نمونه دوم و سوم اساساً قوانین و الزامات تضمین‌کننده نظم سازمانی است و این دو فریضه به عنوان تکلیف همگانی مکمل آن ضوابط و قوانین الزامی لحاظ می‌شود.

چهارم: برقراری نظم عمومی پایدار مستلزم هماهنگی نظام هنجاری اخلاقی بر مدار محبت و نظام حقوقی بر مدار قانون و عدالت است.

۱. جرایم در حقوق اسلامی به موارد زیر تقسیم می‌شود: الف) حدود: مجازات معینی اند و حق‌الله شمرده می‌شود؛ لذا قابل اسقاط نیستند. بر مصلحت عمومی دفع فساد از جامعه و تأمین سلامت و امنیت استوارند. جرایم مستوجب کیفر حدود ده مورد خلاصه می‌شود: ۱. زنا؛ ۲. قذف؛ ۳. شرب خمر؛ ۴. سرقت؛ ۵. محاربه؛ ۶. ارتداد؛ ۷. بغي؛ ۸. لواط؛ ۹. ساحقه و ۱۰. قوادی [سه جرم اخیر تنها در فقه جعفری از حدود شمرده می‌شوند]. این حقوق پایه نظم اجتماعی به شمار می‌روند و لازم الاجرايند. مثلاً در زنا اگر علنی شد زانی و مزنیه علیه نمی‌توانند بگویند ما به این عمل رضایت داشته‌ایم. الزاماً افراد باید این حریم‌ها را رعایت کنند. ب) قصاص و دیات: مجازاتی معین‌اند و حق‌الناس به حساب می‌آیند؛ لذا قبل مطالبه و اسقاط و تبدیل‌اند. اموری با غلبه جنبه شخصی به حساب می‌آیند. ج) تعزیر: مجازات جرایم تعزیری نامشخص‌اند و قاضی در انتخاب آزاد است و تعیین مصادیق آن در هر زمان به حاکم شرع واگذار شده است.



پنجم: ساختار متفاوت جوامع، مستلزم تفاوت در اقدام است. در جامعه دارای تعلقات اجتماعی قومی و قبیله‌ای ملتزم‌سازی افراد با بهره‌گیری از کنترل‌های غیر رسمی و اقتدار برخی افراد قابل تحقق است؛ در حالی که در جوامع امروزی تعلقات قومی - عشیره‌ای کاهش یافته و ساحت‌گزینش‌گری افراد افزایش یافته است. بنابراین اثربخشی کنترل‌های غیر رسمی کاهش یافته و کمتر می‌توان با بهره‌گیری از امور اخلاقی اصلاح رفتاری ایجاد کرد. ولی نقش کنترل‌های رسمی سازمانی و تعلقات تشکیلاتی و حزبی و سازمان‌های مردم‌نهاد افزایش یافته است.

### نگاهی تاریخی به موضوع

امر به معروف به صورت سازمانی و دولتی و به عنوان وظیفه محتسب "نخستین بار در زمان مهدی خلیفه سوم عباسی به وجود آمده، هر چند تأسیس این سازمان در عهد امویان در شهر واسط هم گزارش شده است. در برخی دوره‌ها این سازمان زیر نظر خلیفه و در برخی موارد زیر نظر قاضی رهبری می‌شد" (رضایی راد، ۱۳۸۴: ۸۸). این سازمان بر بیش از هفتاد مورد از رفتارهای اجتماعی نظارت می‌کرد. از کارهایی چون: نظارت بر امور اقلیت‌ها و مبارزه با بدعت‌های اعتقادی و فقهی گرفته تا وضع خانه‌سازی، نظارت بر داروسازی و پزشکان و

مکتب‌خانه‌ها و رسیدگی به امور بازار که این امور به وسیلهٔ مأموران مخفی و آشکاری به نام عریف یا امین انجام می‌گرفت. البته در بعضی دوره‌ها وظایف شهرداری‌ها و رسیدگی به مسائل رفاهی هم بر عهدهٔ حسبه قرار گرفت. ولی به رغم اعتقاد پژوهشگرانی چون جرجی زیدان و برخی دیگر، وظیفهٔ اصلی سازمان حسبه، امر به معروف بود (همان: ۹۰). در کنار سازمان و نیروهای حسبه، سازمان شرطه، قاضی مظالم یا حاجب یا متصدی خراج و صاحب بیت المال نیز فعال بوده‌اند. محتسب خلیفه را نهی از منکر می‌کرد و یا قاضی را از سهل‌انگاری در رتق و فتق امور مردم باز می‌داشت. و هیچ کدام حق سرپیچی نداشتند و سخن او را به کار می‌بستند. تداخل کار محتسب و حاکمان موجب شد تا بعضی از علمای اهل سنت کوشیده‌اند تا امر به معروف را به امور اخلاقی محدود سازند و در کتاب‌های خود بخشی از مسائل امر به معروف را ذکر نکنند و به جای آن نصیحت را وظیفهٔ عموم مردم بدانند (همان: ۱۱۰).

در ایران در عصر غزنویان و سلجوقیان فعالیت حسبه به اوج خود رسید و در هر شهر و روستایی نماینده‌ای از نمایندگان حسبه حضور داشت. در عصر صفویه در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران یک محتسب وجود داشت و همهٔ آنها زیر نظر محتسب الممالک بودند و این نهاد سازمان و تشکیلات خاصی یافته بود (همان: ۱۱۱). کار امر به معروف و نهی از منکر در حیطهٔ اختیارات شیخ الاسلام قرار گرفت. محتسب در دورهٔ صفویه دفتری داشت که در آن اسم تک تک نانوایان و صاحبان سایر مشاغل و نشانی محل کار آنها به ثبت می‌رسید. حتی بعضی از صاحبان مشاغل موظف بودند که دکهٔ خود را در کنار دکهٔ محتسب بنا کنند تا او از نزدیک بر کار آنها نظارت داشته باشد و آنها بدون اجازهٔ محتسب حق کسب نداشتند. همچنین محتسب مهری داشت که در صورت مصلحت به علامت تأیید بر روی کالای فروشندگان یا نامه‌هایی که صادر می‌کرد، مهر می‌زد. و می‌گفت مهر به نامه زدن بهتر از بد گمان شدن است (همان: ۱۲۱-۱۲۰). "وزن کردن و رعایت قیمت کالاها از جمله مواردی است که محتسب انجام می‌داد. عریف به عنوان کارشناس محتسب فعالیت می‌کرد. و نیز نماینده یا وکیل هر صنف با محتسب مرتبط بود که دارالوکاله را به وجود آورد" (همان: ۱۲۲). وظیفهٔ قضاوت هم بین سه نفر تقسیم می‌شد: قاضی، قاضی مظالم و محتسب. قاضی عهده‌دار حل اختلافاتی بود که با دین ارتباط داشت؛ محتسب در مسائلی دخالت می‌کرد که به امنیت و نظم عمومی مربوط می‌شد و حل و فصل آن محتاج سرعت بود و حل قضایی که قاضی و محتسب از آن عاجز می‌مانند بر عهدهٔ قاضی مظالم بود. مانند رسیدگی به اختلاف میان مردم و مسئولان (همان: ۱۲۴). در

بعضی از منابع تاریخی آمده است که حسب برای حفظ موقعیت خود از دولت مردان اطاعت محض می‌کرد و دخالت‌های مغرضانه و نامشروع در امور جزئی مردم روا می‌داشت و علاوه بر دخالت‌های خشن و نامناسب در امور اقلیت‌های مذهبی به کشتن کسانی می‌پرداخت که عقیده آنها را قبول نداشت و یا به اعتقاد ایشان مشکوک بود (همان: ۱۸۰). این که حتی در ایران عصر حاضر هم از خطر سیاسی شدن نیروی انتظامی گفت و گو می‌شود، نشان‌دهنده این مطلب است که خطر سیاسی شدن امر به معروف خطری نیست که محدود به یک زمان یا یک مکان یا محدوده‌ای خاص باشد و در هر زمان و مکانی می‌تواند اتفاق بیفتد (همان: ۱۸۱). شاید به همین دلیل است که بر خلاف فقهای اهل تسنن فقهای شیعه از عنوان حسب استفاده نکرده و همان عنوان امر به معروف و نهی از منکر را به کار برده‌اند.

امر به معروف و نهی از منکر در مباحث فقهی و ارزیابی آن سنت فقهی ما بر این قرار است که مباحث امر به معروف در کتاب الجهاد و به عنوان بخشی از آن نقل می‌شود. از نظر فقهای شیعه نظیر شهید دوم در روضه البهیمة ج ۲ ص ۲۳۴، شیخ طوسی در الاقتصاد ص ۱۴۷، شهید اول در الدرر السعیه ج ۲ ص ۱۱۸، کاشف الغطا در کشف الغطا ص ۴۱۹ و شیخ انصاری در المکاسب ص ۱۸ و المکاسب المحرمه ج ۱ ص ۲۰۴ امر به معروف و نهی از منکر واجب عقلی است. برخی گفته‌اند طبق اجماع واجب نقلی است.

از نظر برخی فقها این دو فریضه واجب کفایی‌اند و با انجام و اقدام برخی از دیگران ساقط می‌شود؛ چرا که غرض شارع وقوع معروف یا ارتفاع منکر است که با انجام عده‌ای محقق می‌شود. طبق نظر دسته‌ای دیگر از فقها وجوب آن عینی است؛ چرا که اصل در وجوب وجوب عینی است (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۱: ۳۵۹).

غالباً فقها برای این فریضه چهار شرط را برمی‌شمارند: ۱. شناختن معروف و منکر؛ ۲. احتمال تأثیر؛ ۳. اصرار بر ادامه منکر و ترک معروف و ۴. موجب مفسده نبودن اجرای آن. برخی شرط پنجمی اضافه کرده‌اند و آن پایبندی آمر و ناهی به گفته‌های خویش است.

لازمه این شرایط آن است که با رویکرد کنش‌گرایی و فردگرایانه و نه فقه اجتماعی و رویکرد ساختارگرایانه به موضوع توجه شود. به عبارت دیگر خطاب به آحاد جامعه است که در مواجهه با دیگران تشخیص دهند که تکلیف آنها نسبت به موضوع چیست؟ آیا مخاطب آنها تأثیر پذیر است؟ و آیا خطری آنها را تهدید می‌کند؟ این شرایط به شرطی تحقق می‌یابد که

فرد مخاطب خود را بشناسد و این وضعیت در جوامع شهری امروزی به عنوان تعهد نسبت به شهروندان ناشناخته قابل تحقق نیست و تکلیف ساقط می‌شود.

لازمه عقلی بودن این دو فریضه آن است که مکلف نسبت به موضوع از آگاهی کامل برخوردار و به تمام جوانب موضوع احاطه داشته باشد. این به آن معناست که تا مکلف تکلیف را نشناسد، تکلیفی بر او نیست. بر این اساس در بین فقها در خصوص این که علم داشتن شرط وجوب است یا شرط واجب، اختلاف وجود دارد. در صورتی که شرط وجوب باشد، مثل شرط استطاعت است برای وجوب حج. پس جاهل معذور است و در صورتی که شرط واجب باشد مثل تحصیل طهارت است برای نماز. پس شخص تا هنگامی که ناآگاه است، جایز نیست به امر و نهی اقدام کند، لیکن این فریضه بر وی واجب است، همان طور که نماز بر هر مکلفی واجب است، حتی بر کافر و شخص فاقد طهارت، اما انجام آن از طرف او صحیح نیست (زین الدین بن علی العاملی، ۱۴۱۴ هـ، ۳: ۱۰۱-۱-۰۲). در خصوص شرط احتمال تأثیر نیز رویکرد فردی بر فقه حاکم است و عمدتاً احتمال تأثیر را به معنای تأثیر بر شخص و مصداق مورد امر و نهی دانسته‌اند، در حالی که با رویکرد فقه اجتماعی احتمال تأثیر می‌تواند به معنای تأثیر در سطح جامعه مطرح باشد که نفس زنده بودن این فریضه و تأثیر مجموعی اقدام به این فریضه می‌تواند مؤثر واقع شود. بنابراین با رویکرد اجتماعی به این تکلیف نمی‌توان امر به معروف را بی‌تأثیر دانست و دست کم اینکه با اجرای این تکلیف پویایی جامعه دینی و زنده بودن احکام الهی به منصفه ظهور می‌رسد. به نظر می‌رسد با رویکرد اجتماعی این موضوع را بتوان با دو رویکرد بررسی کرد: الف) رویکرد طریقی: به این معنا که به اثربخشی ایفای این تکلیف توجه شود. ب) رویکرد موضوعی: به این معنا که به احیای این فریضه به خودی خود توجه و نشان داده شود که مردمی هستند که نسبت به حاکمیت ارزش‌های اسلامی حساس‌اند و جامعه بی‌تفاوت نیست. در این رویکرد اثربخشی در موضوعات فردی و اجتماعی متفاوت است. در موضوعات فردی اثربخشی با تأثیر بر مورد خاص سنجیده می‌شود، حال آنکه در اثربخشی در موضوعات اجتماعی اثر بخشی لزوماً به معنای اثر مترتب بر مورد نهی و امر سنجیده نمی‌شود، چرا که در این گونه موارد ممکن است چه بسا اثری بر یک مورد مترتب نباشد ولی تکرار آن از سوی افراد مختلف فضا را بر منکر و ایفای معروف بگشاید. وانگهی گاهی خود فضا سازی و نشان دادن حساسیت، موضوعیت دارد گرچه به ظاهر اثری مستقیم بر این اقدام مشاهده نشود. گاهی نهی از چیزی ممکن است موجب شود از وخیم‌تر

شدن اوضاع پیشگیری کند و متخلفان فردی یا سازمانی را از توسعه اقدامات ناشایست محتاط کرده و باز دارد.

بر این اساس برای انجام این فریضه دو عرصه را باید از هم تفکیک کرد: الف) عرصه تعاملات و ارتباطات فردی، خانوادگی، صنفی: آنچه از شرایط امر به معروف و نهی از منکر که عموماً در کتب فقهی مورد توجه قرار گرفته به این عرصه ناظر است. از جمله آگاهی آمر به معروف و ناهی از منکر، احتمال ترتیب اثر، منتفی بودن احتمال خطر و ... ب) نظام اجتماعی و توجه به کلیت مصالح جامعه: در این عرصه معیار "اهمیت" موضوع است. در این صورت ممکن است جان‌ها به خطر بیفتند ولی چون قضیه مهم است منعی ندارد؛ چون قیام امام حسین (ع) برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه.

در عرصه توجه به مصالح کلان جامعه و کلیت جامعه نیز شرایط مختلفی متصور است از قبیل توجه به نوع حاکمیت. بدیهی است در زمان حاکمیت مشروع اسلامی چون حاکمیت ولایت فقیه شرایط متفاوتی برای اجرای این تکلیف وجود دارد و باید ملاحظات ویژه تقویت و به همسویی با نظام اهتمام شود؛ اما در زمان حاکمیت استبداد و حاکم نامشروع شرایطی چون تقیه در وقت مقتضی و حفظ جان و مصلحت در جای خود قابل بررسی است و همه اینها به مقتضای شرایط متفاوت بوده و از منطبق نظام سیستمی اسلام در اولویت‌بندی به امور تبعیت می‌کند. لذا نمی‌توان نسخه‌ای واحد پیچید و مسائل را ساده‌انگارانه دسته‌بندی کرد.

در برخی روایات بر وجود قدرت در ایفای این فریضه تأکید شده است. "مرحوم شیخ انصاری نیز معتقدند اگر امر به معروف و نهی از منکر نیاز به قدرت و ولایت و حکومت داشت، واجب است که به سراغ تشکیل قدرت رویم و حکومت تشکیل دهیم" (قرائتی: ۲۷). شیخ طوسی در تهذیب معتقدند که امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب نیست بلکه بر قوی مطاع عالم به معروف و منکر واجب است چرا که قرآن فرمود ولتکن منکم امه یدعون (آل عمران / ۱۰۴) یعنی تکلیف مختص عده‌ای خاص است.

از شرایط ایفای این فریضه، طبق نظر فقها، نبود احتمال خطر برای آمر به معروف و ناهی از منکر است. اگر چه اشتراط امن از ضرر با دلائل محکمی چون قاعده لاضرر و احادیث صریح قابل تأیید است، در مقابل این ادله، احادیث دیگری نیز داریم که فرار از امر به معروف را به بهانه وجود ضرر و عذر تراشی‌هایی از این دست سرزنش کرده و کسانی را که برای این

وظیفه، خود را به خطر انداخته تشویق و ستایش می‌کند (حر عاملی، ج ۱۱: ۴۰۱ باب ۲ از ابواب الامر النهی حدیث ۶).

به علاوه این رویکرد فردگرایانه برای ورود، در جایی که خطر جدی آدمی را تهدید کند، توجیهی باقی نمی‌گذارد، حال آنکه در مسائل مهم و مبارزه با جائران بی‌تردید خطر جانی و مالی محرز است. این نقیصه فقهی در اندیشه فقهی امام خمینی جبران شده است. ایشان معتقدند اگر موضوع از امور مهم جامعه اسلامی همچون حفظ نوامیس مردم و محو اسلام و امحای بعضی شعائر دینی بود، در این صورت معیار ملاحظه اهمیت موضوع است، نه خطر داشتن و بیم جانی و امثال آن (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، بحث امر به معروف و نهی از منکر). شهید صدر به دو ساحت خرد و کلان اجرای امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌فرماید: "گاهی مراد از امر و نهی تذکرات و موعظه فرد به فرد و درباره کارهای شخصی است نظیر اینکه کسی که غیبت می‌کند و شما او را از این کار نهی می‌کنید در این امر و نهی شرط احتمال اثر و نبود خطر جانی قابل قبول است و گاهی مراد امر به معروف و نهی از منکر جلوگیری قاطع از بدعت‌ها، انحرافات فکری و عملی و سیاسی جامعه، مفسدین فی الارض و احقاق حق و حذف باطل از جامعه و تغییر نظام رژیم فاسد است. در این موارد شرط نبود خطر مطرح نیست و اگر جان‌ها و مال‌ها فدا شود تا قانون خدا عمل شود ارزش دارد" (قرائتی: ۴۵). اصرار مرتکب منکر بر کار خلاف نیز حاکی از این است که تکلیف در مواردی است که مکلف مخاطب خود را می‌شناسد و او را زیر نظر دارد و بر این اساس در مورد افراد ناشناس نمی‌تواند در این خصوص قضاوتی داشته باشد.

بی‌نظمی و اختلال نظام از آسیب‌های مترتب بر روش انفرادی در اجرای این فریضه است. "این جاست که می‌توان دریافت که چرا برخی از علمای شیعه و جوب امر به معروف را و بعضی دیگر مرحله عملی و یدی آن را به اذن حاکم شرع مشروط دانسته‌اند" (رضایی راد، ۱۳۸۴: ۷۳). بر خلاف رویکرد غالب فقهی در روایات با رویکرد ساختارگرایی نیز به موضوع امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است. به این معنا که بسترها و زمینه‌ها و ارکان جامعه باید طوری طراحی شود که زاینده نیک‌ها و بازدارنده زشتی‌ها باشد. بر این اساس:

- منکر مثل آتشی توصیف شده است که اگر با نهی خاموش نشود همه چیز را می‌سوزاند (بحار الانوار ج ۱۴: ۳۰۸).



- با امر به معروف و نهی از منکر، جامعه از حاکمیت اشرار مصونیت می‌یابد (بحار، ۹۷: ۷۲).
  - خداوند فرزندان را به کردار پدران مورد عتاب و انتقاد قرار می‌دهد (آل عمران / ۱۸۳).
  - با اینکه شتر صالح را یک نفر کشت این عمل به قوم نسبت داده می‌شود (شمس / ۱۴).
  - گناه در جامعه مثل سوراخ کردن کشتی در دریا توصیف می‌شود که خسارت آن تنها فرد مجرم را در بر نمی‌گیرد.
- پس با اقامه امر به معروف و نهی از منکر جامعه در امنیت قرار می‌گیرد و جاده‌ها امن و درآمدها حلال و حقوق مردم ادا می‌شود (کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، روایت ۱، ۵۵).

#### مروری بر قانون مزبور

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مشتمل بر ۲۴ ماده و نوزده تبصره است. در این قانون معروف و منکر عبارت دانسته شده از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین مورد امر قرار گرفته و یا منع شده است. امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد. مراتب آن نیز طبق رویه متداول در فقه عبارت است از قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است. بر اساس این قانون در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص شد، مگر در مواردی که قانون تجویز کند و نمی‌توان به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افترا، ضرب، جرح و قتل مبادرت ورزید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود.

در ماده ۸ این قانون، حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت به مردم داده شده و طبق ماده ۹ اشخاص حقیقی و حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد مانع مستوجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌شود.

در ماده ۱۰ با نام بردن از برخی دستگاه‌های متولی فرهنگ‌سازی نظیر آموزش و پرورش، وزارت علوم، سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از آنها خواسته شده تا برای بالا بردن سطح آگاهی مردم از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی اقدام کنند.

در ماده ۱۱ نیز، قوه قضائیه را به رسیدگی به جرائم موضوع این قانون با تأسیس شعب ویژه مکلف کرده است. در تبصره آمده است که آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت‌های قضایی موضوع ماده ۴ قانون حمایت قضایی از بسیج می‌شوند. در ماده ۱۲ برخی نهادها از قبیل وزارت خارجه موظف شده‌اند که اتباع خارجی را قبل و حین ورود به کشور نسبت به قوانین و مقررات و رعایت شئون اسلامی آگاه کنند. در ماده ۱۳ مقرر شده که در مواردی که جانی شناسایی نشده و یا تمکن مالی نداشته باشد دیه از محل تبصره ماده ۹ این قانون - وجوه در اختیار ستاد - پرداخت شود. در ماده ۱۴ آمده است که سازمان‌های مردم‌نهاد مطابق اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند مطابق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن اقدام کنند. در ماده ۱۵ نیز آسیب‌دیدگان جسمی و جانی بابت امر به معروف و نهی از منکر مشمول قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران دانسته شده‌اند.

برای اجرای این قانون در ماده ۱۶ ستاد امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی شده است که ۱۲ وظیفه نظیر سیاست‌گذاری، آسیب‌شناسی، تعیین الگوهای رفتاری، زمینه‌سازی مشارکت مردمی، رصد اقدامات، تدوین راهبردهای آموزشی، آموزش و پژوهش و ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، شناسایی ظرفیت‌ها، حمایت از اقدامات قانونی و ارائه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه را بر عهده دارد.

بر اساس این قانون وزارت کشور موظف شده نظر مشورتی ستاد را در دادن مجوز فعالیت به سازمان‌های مردم‌نهاد که بخواهند در این زمینه فعالیت کنند، اخذ کند و مراجع ذی‌ربط، هرگاه بدون عذر از صدور مجوز استنکاف کنند، مستوجب مجازات موضوع ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی شناخته شده‌اند. در تبصره نیز آمده است که وظایف ستاد نافعی و وظایف وزرا و مسئولان نیست.

در ماده ۱۹ اعضای ستاد در سه رده کشوری، استانی و شهرستانی تعیین شده‌اند. بر اساس آن یکی از ائمه جمعه موقت تهران ریاست ستاد را برعهده خواهد داشت و برخی وزارت‌خانه‌ها و رئیس صدا و سیما، سازمان تبلیغات، فرماندهی نیروی انتظامی، رئیس بسیج،

دبیر ستاد ائمه جمعه عضو این ستاد خواهند بود و متناظر آن ستادهای استانی و شهرستانی تشکیل می‌شود.

در مواد پایانی نیز بر ارائه گزارش به مراجع ذی‌ربط تأکید شده است. پس از ابلاغ قانون از سوی مجلس، اشکالات و ایراداتی بر این قانون گرفته و در نهایت مقرر شد قانون اجرا و اصلاح شود. تدوین قانون جامع امر به معروف و نهی از منکر نیز پیگیری شود.

### نقد و ارزیابی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

اصولاً در مدل نظام ارزش‌مدار ایران برای راهبری و نظارت، ابعاد حقوقی و قانونی با ابعاد اخلاقی آمیخته شده است. حضور استناداران به عنوان اداره‌کنندگان نهاد قانونی و دارای حوزه مسئولیتی مشخص در کنار ائمه جمعه با ساختار نظارتی و اخلاقی، حضور نمایندگان رهبری در دستگاه‌های نظامی و غیر نظامی، حضور مربیان پرورشی در کنار آموزگاران و کارکرد سیاسی هیئت مذهبی به صورت غیر رسمی در کنار تحزب‌گرایی، نمونه‌هایی از این آمیختگی است. به علاوه استفاده از نیروی مردمی تحت عنوان تظاهرات و راهپیمایی در موضوعات مختلف از جمله مسائل سیاسی همواره مورد توجه دولت‌مردان بوده و به عنوان شاخصی از مردم‌سالاری دینی و اقتدار ملی تلقی شده است. از این نظر ساختار نظام اجتماعی و سیاسی ایران قابل مقایسه با دیگر جوامع نیست. جامعه‌ای که هم از ظرفیت و نیروی عظیم مردمی بهره می‌برد و هم خود را در قالب نظامی قانونی و مبتنی بر ضوابط مستند و مکتوب مدنی و کیفی بازشناخته است. بنابراین در ساختار حکومتی و سیاسی و نظام اجتماعی، وجود نهادهای رسمی و غیر رسمی نظارتی به رسمیت شناخته شده است. الگوهای مدینه فاضله مطرح شده از سوی اندیشمندان اسلامی نیز با تأکید بر آگاهی‌های مردمی، تعاون بین آنها، شناخت سعادت حقیقی و ضرورت راهبری به سوی سعادت جامعه، نیازمند حضور مردم و وجود عناصر قوی احساس مسئولیت اجتماعی آحاد جامعه است. بنابراین در این مدل‌سازی گریزی از ایجاد فضای تحركات مردمی نیست.

به رغم آنکه از روز نخست استقرار جمهوری اسلامی وجود تشکیلاتی برای نظارت‌های عمومی و نظارت بر مردم مورد بحث بوده است، با وجود این، به چند دلیل تأسیس تشکیلات رسمی با احتیاط روبرو بوده است. یکی آنکه امر به معروف و نهی از منکر سه وجهی است و بیانگر نظارت مردم بر دولت، مردم بر مردم و دولت بر مردم است. این ماهیت در قالب

وزارتخانه‌ای که عمدتاً یک بعد را پوشش می‌دهد قابل اجرا نیست و دیگر آن که جمهوری اسلامی تجربه دولت‌های اسلامی گذشته را پیش رو داشت و اجرای این فریضه با تأسیس امور حسبه و امثال آن که صرفاً ماهیت دولتی داشته، موفق نبوده است. از این نظر به طرح تشکیلاتی تحت عنوان ستاد و آن هم با زعامت ائمه جمعه بسنده کرده و در قانون نیز این مؤلفه حفظ شده است. با وجود این، این ستادها نتوانسته به نیازهای عرصه نظارت عمومی پاسخ دهد و محصول آن تلاش برای تصویب قانون در این خصوص بوده و آخرین تلاش هم با ناخرسندی رئیس جمهوری مواجهه شده است.

این قانون، نیز، به رغم وجود عناصر مقوم کنش‌گرایی و ساختارگرایی، فاقد رویکرد مشخصی درباره نوع جامعه و سازمان و مخاطب است. رویکرد فقه فردی بر این قانون نیز حاکم است و به بیان روابط بین اشخاص پرداخته و از ترسیم زیرساختها و ساخت‌های مناسب برای تسهیل فرایند اجرای این فریضه بی‌بهره و یا کم‌بهره است.

اعتماد اجتماعی و فرهنگ‌سازی از امور زیر ساختی تحقق این دو فریضه است. اعتماد متقابل و تمایل به دخالت برای خیر عموم «منبع اخلاق اجتماعی» است. اعتماد اجتماعی، سرمایه‌ای اجتماعی و کالایی همگانی است؛ کیمیایی دارای قداست است که شاکله‌ای نمادین دارد و به وسیله نهادها و گروه‌ها تولید می‌شود، بر آگاهی و احساسات مردم استوار است و مبادله و بازتولید می‌شود. دین از منابع اصلی سرمایه اجتماعی است؛ همان طور که قومیت، نژاد، زبان و تاریخ یک ملت چنین‌اند. اتفاقات ناگوار با تدوین قانون حمایتی و بدون توجه به اعتماد اجتماعی مرتفع نمی‌شود. اصولاً در فضایی که تذکر در فرهنگ عمومی فضولی و دخالت در حریم خصوصی محسوب می‌شود و شاخص‌های موفقیت در اجرای کنترل‌های غیر رسمی کاهش یافته است، قانون حمایتی برطرف‌کننده مشکل اساسی در مسیر تحقق موفقیت‌آمیز این فریضه نیست. آسیب‌شناسی این وقایع آنهم پس از تجربه‌ای طولانی مستلزم مطالعه جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و دانش‌سازمانی است. امروزه دور شدن از هویت و فرهنگ دینی، جوامع را به فردگرایی و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت مشترک و ضد ارزش تلقی کردن فرائضی چون امر به معروف و نهی از منکر سوق داده و متأسفانه برخی از این عناصر فرهنگی در جامعه اسلامی ما هم رسوخ کرده است؛ به طوری که فرائض جمع‌گرای اسلامی به ویژه در عرصه نصیحت و امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها کم‌رنگ شده و گویا این امور فضولی در کار دیگران تلقی می‌شود. این موضوع آنقدر در ذهنیت افراد نفوذ کرده که

امروزه این عبارت را بارها از رسانه‌ها می‌شنویم که نباید به نسل جدید امر و نهی کرد، آنها این گونه رفتار را بر نمی‌تابند. با وجود این، رویکرد موضوعی به این دو فریضه به معنای نشان دادن اینکه جامعه نسبت به برخی امور حساسیت دارد، خود ارزشی است که از آثار آن نباید غافل شد.

از اموری که می‌بایست در این قانون به آن توجه شود، تفکیک اموری است که در زمره حق‌الله به شمار می‌رود و رعایت آنها مصالح عمومی را دربردارد. دولت باید به عنوان اجبار با متخلفان برخورد کند و در این عرصه قانون‌گذاری کند و نباید نیازی به ورود مردم باشد. از این قبیل است همه مواردی که حاکمیت، برای آن قانون مشخص دارد. تعیین تکلیف سازمان‌های مردم‌نهاد، تشکل‌ها و احزاب و تمایز آن با اموری که از عموم مردم انتظار ورود و نظارت می‌رود در قانون لازم و ضروری است. به عنوان مثال اگر رعایت حجاب حق‌الله تلقی می‌شود، این بدین معناست که دولت نباید این موضوع را به امر به معروف و نهی از منکر واگذارد؛ بلکه نخست می‌بایست برای آن قانون بنویسد و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان مکمل تشویق کند. امر به معروف و نهی از منکر موضوعی عقلی است و بارشدن تکلیف متناسب با فهم و برداشت مکلف صورت می‌گیرد. در صورتی که با مصالح عمومی و بر مبنای فقه اجتماعی تحدید نشود، برداشت‌های متفاوت از سوی مکلفان زمینه‌ساز انشقاق و هرج و مرج خواهد بود. این قانون به این خطر پاسخی نمی‌دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از انقلاب و ایجاد ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین پس از اتفاقات ناگوار برای آمرین به معروف و ناهیان از منکر، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به تصویب رسید. این قانون نگرانی‌هایی را از نظر اختلال در امور و تداخل مسئولیت‌ها برانگیخته است، بر این اساس می‌توان این موضوع را از اساسی‌ترین مسائل امروز جامعه به حساب آورد.

امر به معروف و نهی از منکر شاخص جامعه دینی است و نمی‌توان از کنار آن به راحتی گذشت. نظام حسبه تجربه‌ای است که برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر در دولت‌های اسلامی در طول تاریخ به اجرا گذاشته شده و کارنامه موفق‌تری نداشته است و در ادبیات و آثار تاریخی نیز به شدت سرزنش محتسبان مشاهده می‌شود. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران

تلاش کرده از تاریخ عبرت گیرد و برای قانونی کردن این فریضه به ایجاد ستاد آن هم زیر نظر ائمه جمعه که دارای حیثیت مردمی و نظارت دینی‌اند، بسنده کند.

امر به معروف و نهی از منکر موضوعی عقلانی است نه تعبدی، بنابراین اثربخشی آن و شناخت جامعه و مخاطب و آشنایی با اهداف شرع ضروری است. برای اجرای این دو فریضه، سه عرصه ارتباط مردم با هم، مردم و دولت و دولت با مردم مطرح است.

رویکرد فقهی وظایف فردی را تبیین کرده اما به وظایف نهادی و ساختاری توجه چندانی نمی‌کند. در حالی که مسئله مهم در خصوص این قانون و قوانین مشابه، آن است که ساختار جامعه، نهادها و گروه‌های هدف از نظر ساختار اخلاقی، قانونی و الزامی آن تشریح و ملاحظه شوند و ساخت فرهنگ عمومی و خرده‌فرهنگ‌های تخصصی باز شناخته شود، این قانون نتوانسته است از ظرفیت نهادها و موقعیت‌های الزامی بهره جوید و تعریف شفافی از ساخت‌های حقوقی و اخلاقی که در فقه، تحت عنوان حقایق و حقوق الناس بیان شده، طرح کند.

با وجود این مشکلات و تجارب، نباید از پیامدهای بی‌توجهی به این فریضه غافل بود. این پیامدها می‌تواند ابعاد فرهنگی داشته باشد نظیر افزایش عقاید التقاطی و خرافات در حوزه اعتقادی و رفتار دینی، ذهنیت غیر شفاف نسبت به معروف و منکر، رنگ باختن ارزش‌ها و کمی احساس مسئولیت اجتماعی. این پیامدها می‌تواند جنبه اجتماعی داشته باشد نظیر هرج و مرج و تسلط اشرا، تبعیض، فساد اقتصادی و اجتماعی و ایجاد حاشیه امن برای متخلفان.

بروز آسیب‌ها در حوزه امر به معروف و نهی از منکر ناشی از عوامل مختلفی است. برخی از این آسیب‌ها متوجه عدم درک صحیح از تفاوت حوزه اختیارات حکومتی و قانونی و میزان نفوذ و ظرفیت اعمال قانون در سطح جامعه به طور کلی و در سازمان‌ها و نهادها به طور خاص است. اقتضائات جامعه مدنی به معنای جامعه‌ای که قانون تعیین‌کننده میزان بهنجاری و نابهنجاری رفتارهاست از یک سو و ضرورت بالا بودن آستانه تحریک و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه نسبت به سرنوشت خویش و دیگران و ضرورت خیرخواهی و نصیحت و امر و نهی نسبت به کارگزاران نظام از سوی دیگر، مستلزم آگاهی عمومی و بینش صحیح مسئولان و تدوین قوانین متناسب با این شاکله اجتماعی است. به وجود آمدن اختلافات در قانون‌نویسی و اجرای قانون، نظیر آنچه در اجرای مبارزه با مفاسد اجتماعی طی دو سه موج به وجود آمده، حاکی از ضعف شناخت درست و هماهنگ، فقدان مدیریت منسجم و نظارت بر اجرای قانون، و فاصله وجدان جمعی با محتوای قوانین است.

بنابراین با التزام به این که نظام ارزشی ایران آمیخته‌ای از قانون و اخلاق بوده، مع‌الوصف نباید از آسیب‌های فردگرایی تکلیفی نظیر کم‌توجهی به تفاوت‌های محیطی و مخاطب، تک‌روی و تقسیم سلیقه‌ای افراد به سالم و ناسالم غفلت کرد. بنابراین مناسب است در قانون، زیرساخت‌ها و ساخت‌های مقوم اعتماد اجتماعی و فرهنگ نظارت عمومی ترسیم شود. آنگاه بر اساس مخاطب‌شناسی دقیق و ترسیم چگونگی پرهیز از اقدامات محل نظم اجتماعی، استعداد مؤمنان برای ایفای مسئولیت اجتماعی بر مدار خلیفه الهی بودن را هدایت و سامان داد. باید به تشکیل نهادهای مردم‌نهاد دارای شناسنامه و قابل پیگرد قانونی اهتمام و از موازی‌کاری پرهیز شود. فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی نسبت به معروف‌ها و منکرات در اولویت قرار گیرد. به این موضوع نیز توجه شود که گاهی خود این فریضه موضوعیت دارد، بدین معنا که حساسیت مردمی دربارهٔ تحقق معروف‌ها و پرهیز از منکرات باید به نمایش گذاشته شود.

بدیهی است موفقیت در تحقق این قانون نیازمند تمهیداتی است. برخی از تمهیدات ساختاری عبارتند از: ورود مردمی به عرصه امر به معروف و نهی از منکر مستلزم فرهنگ خاص خویش است. فرهنگی که به فردگرایی گرایش دارد و اظهارنظر دربارهٔ خوبی و بدی رفتار را دخالت و فضولی تلقی می‌کند، با قانون خوب هم، با موفقیت مورد انتظار، همراه نخواهد بود. در این وضعیت ضرورتاً می‌بایست حریم حاکمیتی از حریم خصوصی و عمومی تفکیک و میزان ورود افراد به عرصه‌های مختلف از سوی حاکم اسلامی مشخص و بر اساس قانون مدیریت شود. نگاهبانی از کلیت حکومت اسلامی و نظارت عمومی بر رفتار حاکمان در عین تولید انضباط رفتاری و تقسیم کار از مسائل مهمی است که حاکمیت می‌بایست الگویی برای آن طراحی کند تا از به حاشیه رانده شدن مردم و بی‌تفاوتی آنها پرهیزد شود، به طوری که مردم خود را به نصیحت حاکمان ملزم بدانند و از سوی دیگر مرز و حد و عرصه‌های آن شفاف شود.

برای سامان دادن به تحقق این دو فریضه باید بسترهای محیطی را مهیا کرد. به عنوان مثال باید توجه داشت که رواج اقتصاد ربوی در جامعه، جامعه را به بی‌بصیرتی مبتلا می‌کند و توان امام‌شناسی از او سلب می‌شود، چنانکه مردم کوفه در زمان امام حسین (علیه‌السلام) چنین شدند. طبق آموزه‌های اسلام نیز فقر عمومی جامعه موجب کاهش توان دین‌مداری جامعه می‌شود، چنان که فقر، چنین جامعه‌ای را در معرض خطر کفر قرار می‌دهد " کاد الفقر ان یکون کفرا " ( الکافی ج ۲: ۳۰۷). نظام اولویت‌بندی طراحی و اجرا شود. به عنوان مثال در

رویکرد ساختاری حفظ نظام اجتماعی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. لذا حضرت هارون در فضیله سامری برای پیشگیری از تفرقه سکوت کرد (طه/ ۹۴).

به اقتضائات متفاوت امر به معروف و نهی از منکر در سطح ساختاری و در سطح فردی توجه شود. در سطح ساختاری ایجاد نظم و انضباط، اصلاح زمینه‌های فرهنگی چون اعتماد اجتماعی و تولید مشارکت اجتماعی و تشکل‌های مردمی، سالم‌سازی محیطی، تولید مقررات کیفر قانونی و عملی، کنترل و رهبری رسمی و پی‌ریزی قانون مناسب با ترویج اخلاق اجتماعی اسلامی از طریق مجاری آموزشی- تربیتی حائز اهمیت است، تا از عقلانیت‌ابزاری پرهیز شود، به مقبولیت و مشروعیت قوانین و ساختارها عنایت شود، سنت‌های اجتماعی تبیین و فتنه‌هایی که فقط آتشش دامن آتش‌افروز را نمی‌گیرد، کنترل شوند. در سطح خرد و فردی باید به تولید فرهنگ ارشاد و موعظه و نصیح، پرهیز از بدبینی و برچسب‌زنی، تقویت مدارای رفتاری همراه با ارشاد و راهنمایی و احساس تعهد نسبت به برادر دینی، ولایت مؤمنانه و مخاطب‌شناسی، ترتیب اثر، نبود خطر جانی و اقدام لسانی و اهتمام به به کارگیری نیروی کنترل‌های غیر رسمی از قبیل فشارهای اجتماعی و نشان دادن گروه‌های مرجع مناسب به تناسب شرایط مخاطب و رهبری غیر رسمی و پی‌ریزی اخلاق اجتماعی مناسب توجه شود. امر به معروف و نهی از منکر بر منطق و درک شرایط استوار است و صرفاً کاری تعبدی نیست. بنابراین اجتهاد پویا در متن آن نهفته است و تحول و پویایی شاخصه جامعه دارای این ویژگی است. پویایی و رویکرد ضرورت تکامل و تعالی جامعه اقتضا می‌کند که جامعه همواره پویا بوده و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی راه تعالی را بییماید.

در تحقق شایسته این فریضه باید اصول اخلاق اسلامی رعایت شود. برخی از این اصول عبارتند از: مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، تقدم پیشگیری و پرهیز از مچ‌گیری، جلوگیری از انباشت تخلفات و پرونده‌سازی و در مقابل ابتدای بر مدارا و باور به جایز الخطا بودن انسان‌ها، رعایت اصول روان‌شناختی اصلاح‌گراانه و افزایش‌دهنده ظرفیت انسانی و پرهیز از برچسب‌زنی، آگاهی‌بخشی و معرفت‌افزایی، رعایت تفاوت‌های انسانی، محیطی و تربیتی و پرهیز از یکسان‌نگری.

در این سیستم برخی امور مصلحت جمعی و ضامن نظام و انتظام اجتماعی است که آنرا حق‌الله خوانند. در این امور رضایت شخصی افراد، توجیه‌کننده خطا نیست چون مصالح جمع مطرح است. برخی امور مصلحت شخصی است و حق افراد در آن مطرح است و برخورد با



مصالح دیگران ندارد که این امور را حق الناس گویند. در این سیستم حفظ نظام اقتضا می‌کند که به حقالله اهتمام ویژه و این باور ایجاد شود که در این امور گذشت و اغمازی صورت نمی‌گیرد. این امور تحت عنوان حدود الهی در شریعت جایگاه خاصی دارند.

رفع موانع فرهنگی نیز از تمهیدات تحقق این قانون است. در این خصوص می‌توان به امور زیر توجه کرد: ظاهرگرایی و کلیشه‌ای شدن با ایجاد انضباط قانونی، کاسته شدن از احساس مسئولیت مردمی با واگذاری امور به بخش رسمی و دولتی، محدود شدن به برخی امور پیدای جامعه، احتمال تأثیرپذیری از فضاها و رویکردهای سیاسی و سیاسی‌کاری، غلبه فردگرایی، ابهام در حوزه امور شخصی و اجتماعی، شریعت‌گریزی انسان مدرن، ضعف توجه به منکرات سازمانی، توجه به تکثرگرایی فرهنگی و ارزشی، تعدد کارگزاران امور فرهنگی، توجه به تمایزیابی و تخصصی شدن جوامع، تقویت رویکرد اجتماعی، توجه به شهرنشینی و اقتضائات آن از جمله کاهش فشارهای اجتماعی، تلقی خصوصی از دین و مناسک آن و بروز فضای هویتی سیال.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اراکي، محسن (۱۳۹۰-۱۳۹۱). تقریرات درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام.

اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۴). مشارکت عمومی، حاکمیت ملی و نظارت همگانی در فقه سیاسی و حقوق سیاسی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

چلبی، مسعود (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.

الحر العاملی، محمد بن الحسین (۱۴۰۱ق). وسائل الشیعه، ج ۱۱ و ۱۶. منشورات المکتبه الاسلامیه.

حکیم، سید منذر حکیم (۱۴۳۰؛ ۱۳۸۸). مجتمعنا فی فکر و تراث الشہید محمد باقر صدر. طهران.

المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه. مرکز الدراسات العلمیه.

خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، ج ۶. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح الله (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمه، ۲ جلدی، ج ۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح الله (بی تا). تحریر الوسیله. چاپ دوم، ج ۲. مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

خیری، حسن (بی تا). حداقل وجدان جمعی به منظور برقراری نظم اجتماعی در اسلام. پایان‌نامه

کارشناسی ارشد. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- رجایی، مهدی (بی تا). *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی*. بررسی امر به معروف و نهی از منکر. دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی. چاپ نشده
- رجبی، محمود (۱۳۷۸). *تاریخ تفکر اجتماعی اسلام*. تهران: سمت.
- رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۸۴). *امر به معروف در ترازوی تاریخ گامی نو در فقه سیاسی*. قم: بوستان کتاب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صبوری، منوچهر (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*. تهران: نشر شب تاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۵ و ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، زین العابدین، بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعۃ الدمشقیة*. ۱۰ جلدی. ج ۲. قم: کتابفروشی داوری.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق). *فقه سیاسی*. ج ۴. ج ۱. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۹۹۱). *آراء اصل المدینه الفاضله*. چاپ ششم. بیروت: دارالمشرق.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری حلی (۱۳۸۴). *کنز العرفان فی الفقه القرآن*. ترجمه: عبدالرحیم بخشایشی. ج ۱. ج ۱. قم: انتشارات نوید اسلام.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۶). *امر به معروف و نهی از منکر*. قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بی یعقوب (۱۳۶۹). *فروع من الکافی*. ج ۵-۲-۱۲-۱۱. قم: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- کوک، مایکل (۱۳۸۴). *امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی*. ترجمه: احمد نمایی. ج ۱. ج ۲ و ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- لنگرودی، محمد جعفری (۱۳۶۸). *ترمینولوژی حقوق*. ج ۴. تهران: گنج دانش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. ج ۱۴ و ۹۷. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. تهران: نشر دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *یادداشت‌های استاد*. تهران: انتشارات صدرا.
- مقدس، محمدرضا (۱۳۹۲). *آمار شهدای امر به معروف و نهی از منکر از ابتدای انقلاب تاکنون*. همایش ملی امر به معروف و نهی از منکر و فرهنگ‌پذیری. خبرگزاری ایسنا
- <http://isna.ir/fa/news/92060200696>
- نجفی، محمد حسن بن الباقر (۱۳۷۳). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. ج ۱۱ و ۲۱. تهران: دار الکتب الاسلامیه.